

چرا بندر ۶ میلیونی شهیدرجایی با ۲ میلیون کانتینر قفل می‌شود



روزنامه

شنبه- ۲۲ مهر ۱۴۰۲- سال هفتم- شماره ۱۷۵۵- قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

www.Eghtesadsaramad.ir

فعالان حوزه دریای خزر درباره موانع پیش روی رشد صادرات محصولات کشاورزی می‌گویند:

ضعف زیرساخت‌های کانتینری و یخچال‌دار در کشتی‌های باری

@Eghtesadsaramad eghtesadsaramad

نقدی بر کارنامه استاندار هرمزگان در حوزه اقتصاد دریاپایه وزیر ساخت‌های لجستیک: بررسی می‌کند

اقتصاد دریاپایه هرمزگان خارج از مدار لجستیک!



درسی از مجمع حکشتی

سیدهادی موسوی قوام

سرمقاله

ایزوایکو، شمع امید

امید متین - خبر ها حاکی است یک افراماکس دیگر برای تعمیرات اساسی به سمت ایزوایکو رو کرده است، این خبر خوبی است و در حد خودش، حال رسانه‌هایی که به دنبال خبرهای امیدبخش یا چسراغ می‌گردند، خوش می‌کند. «فتکش غسول پیکر خارجی که جهت انجام تعمیرات اساسی وارد دری داک ایزوایکو شده است». وقتی وضعیت ناوگان کشتی‌رانی را بررسی می‌کنیم و متوجه انبوهی نقص و مشکل می‌شویم، وقتی با انبوهی کشتی‌های فرسوده که چند برابر استاندارد جهانی سوخت مصرف می‌کنند، مواجه می‌شویم، خوب معلوم است که حال‌مان چه می‌شود. در این گیر و دار به دنبال یک خبر خوب می‌گردیم، مانند تشنه‌ای در بیابان مانده، آرزوی جرعه‌ای آب داریم.

وقتی بنادر کشور را رصد می‌کنیم و می‌بینیم که بندر تبدیل شده است به انبار. هزاران کانتینر خالی یا خروارها مواد خوراکی و دارویی، انبوهی ماشین‌های خاک گرفته می‌بینیم که بلا تکلیف زیر آفتاب و باران از بین رفته و بندر بوی گند گرفته است، حال‌مان معلوم است چه می‌شود و باز در این واویلا، به دنبال یک خبر خوش می‌گردیم. در این اوضاع، یک خبر مسرت بخش، مانند خوردن یک نوشابه سرد در دل گرمای ناامیدی، عجیب به آدم می‌چسبد و جگر روح و روان ما را جلا می‌دهد. این خبرها، کوچک و بزرگ ندارند؛ بلکه حس و حال دارند.

حمله فلسطین به اسرائیل

سال‌های سال به ریش ما خندیدند. وقتی گفتیم اسرائیل پوشالی است، زرده‌خنده‌ای تحویل ما دادند. وقتی گفتیم اسرائیل خانه عنکبوت است، نیش خند زدند. وقتی گفتیم اسرائیل رفتنی است، قهقهه سر دادند. وقتی نوشتیم عرب-مد به حفا ختم می‌شود؛ اما این بدون امنیت ممکن نیست؛ با نگاه عاقل‌اندر سفیه به ما نگریستند و خیال کردند همه چیز با «پول و تفنگ» حل می‌شود. حاشیه خلیج گفت من که پول دارم، اسرائیل هم گفت من تفنگ دارم و توافق کردند که عادی‌سازی کنند و عرب-مد راه بیندازند. حالا هم اکنون، همین چند روزه، آیا ثابت شد که حق با کیست؟ آیا پول و تفنگ، امنیت و توسعه می‌آورد.

خبر خوشی بود این حمله فلسطین به اسرائیل؛ زیرا نه دشمن، بلکه ما هم خیالش را هم نمی‌کردیم. اگر خود ما فکر می‌کردیم با این وسعت، فلسطین بتواند به اسرائیل حمله کند، خیال می‌کردیم دچار توهم شده‌ایم. خود ما هم باور نمی‌کردیم! اما این خبر، این واقعه، این اتفاق بزرگ، نشان داد که خبرهایی در راه است و خبرهای خوب جقدر خوب هستند و جقدر حال آدم را خوب می‌کنند. این خبر، هزاران پیام با خود همراه داشت که یکی از این پیام‌ها این است: فلسطینی‌ها می‌توانند.

تعمیر افراماکس در ایزوایکو

هیچ تعجب نکند! اگر خبر حماسه فلسطینی‌ها را با تعمیر یک افراماکس در ایزوایکو همراه می‌کنیم. باور کنید در ذات این خبرها هیچ تفاوتی وجود ندارد. «هر دو امیدبخش هستند». هر دو حال آدم را خوب می‌کند. هر دو یک پیام مشترک بر مبنای «خواستن توانستن» دارند.

وقتی ایزوایکو تعمیر افراماکس را پذیرفته و اقدام کرده است؛ این خبر پیام‌هایی به همراه دارد: یکی از این پیام‌ها این است که ما واقعا می‌توانیم. وقتی می‌توانیم افراماکس را تعمیر اساسی کنیم، یعنی تجهیزات از یک سو و فن و تخصص از سوی دیگر داریم. بساط‌مان کامل است؛ پس می‌توانیم توسعه بدهیم. می‌توانیم سرمایه‌گذاری بزرگ کنیم و به جای این که ایزوایکو را مانند ورزشگاه آزادی به فراموشی سپریم و از بهسازی و توسعه آن غافل شویم، آن را بهبود مستمر ببخشیم. سرمایه‌های کلان روی آن سرمایه‌گذاری کنیم. اگر خودمان را باور نداشتیم و قادر به ساخت و تعمیر نبودیم، در تصمیم تزلزل داشتیم؛ اما اکنون باید مصمم بود و روی ساخت و تعمیر کشتی حساسی حساب باز کنیم.

از ایزوایکو تا صدرا و محلاتی

فقط ایزوایکو نیست، صدرا هم قادر است. محلاتی هم قادر است. به بخش‌های دیگر توجه نمی‌کنیم و می‌گوییم آن‌ها محدود به سازه‌های کوچک هستند؛ اما برای توسعه، یک چراغ کافی است؛ در حالی که ما حداقل سه چراغ روشن و نورانی داریم. پس چرا نمی‌تازیم؟ چرا سرمایه‌گذاری را طوری رقم نمی‌زنیم که چشم بعضی‌ها در پیاد؟ چرا موکل به زمان می‌کنیم؟ چرا دست می‌کنیم؟

همه کشورهای صاحب‌نام امروز در کشتی‌سازی و تعمیرات کشتی، روزگاری در موقعیت ما بودند. همه از روز ازل، حرفه‌ای تمام عیار بودند. دستم بگرفت و پا به پا برد... باید حرکت کرد. پا به پا. تعلل معنا ندارد. ما هم حرکت کنیم به پای آن‌ها می‌رسیم. فقط باید شهامت تصمیم در دولت ما به وجود بیاید که بتواند سرمایه‌های کلان را به سمت دریا - من الجمله ساخت و تعمیر کشتی - سوق دهد. این خبر خوش، شاید کوچک باشد، اما مانند یک شمع در دل شب، به روح انسان امید می‌تابد. تا باشد از این خبرها. به امید روزی که قطب تعمیر و ساخت کشتی باشیم.

نگاهی به جنبه اقتصادی گاز در مدیترانه شرقی،

چشم‌انداز تولید انرژی در مدیترانه شرقی



بورس، چهارشنبه به تنظیمات کارخانه برگشت؛

«بورس» هفته گذشته گیج می‌زد!

ورود نفتکش غول پیکر به مجتمع کشتی‌سازی و صنایع فراساحل ایران

اعتماد خارجی‌ها به توانمندی ایزوایکو



ورود نفتکش غول پیکر خارجی در دری داک مجتمع کشتی‌سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو). به گزارش اقتصادسرامد از حوزه ارتباطات و امور بین‌الملل ایزوایکو، فروند نفتکش غول پیکر خارجی جهت انجام تعمیرات اساسی وارد دری داک ایزوایکو شد. این شناور دارای ۲۴۸،۲۱ متر طول، ۲۳ متر عرض و ۲۰،۲۰ متر ارتفاع است. سندبلاست و رنگ آمیزی بدنه - سرویس شیرالات - عرشه و موتورخانه - ولوهای عرشه - انجین - سرویس کامل موتور اصلی و ژنراتورها - کویلها - بویلر و... بخشی از تعمیراتی است که به نیروهای توانمند ایزوایکو بر روی این نفتکش غول پیکر خارجی انجام خواهد شد. نکته مهم اینکه این شناور، برای تعمیرات بدون محدودیت می‌تواند به هر کجای دنیا مراجعه کند! اما با

این وجود، کشور ایران و دری داک ایزوایکو را انتخاب کرده است. که نشان از کیفیت بالای کار، تعهد، توانمندی و ظرفیت بالای این مجتمع دارد. ایزوایکو پشتیبانی مطمئن و قدرتمند برای صنعت حمل و نقل دریایی کشور و دنیا است. امروز تمام مراحل تعمیرات شناورها در این مجتمع امکانپذیر است. با توجه به زیرساخت موجود در ایزوایکو و دانش مهندسان داخلی قابلیت هر گونه تعمیرات در مجتمع کشتی‌سازی و صنایع فراساحل ایران وجود دارد.

غزه ثابت کرد؛

باد، طوفان طغیان می‌زاید

ایرج گلشنی- این قانون طبیعی فیزیک است: اگر هر جسمی را تحت فشار قرار دهیم، انرژی آزاد می‌کند. آزاد کردن انرژی شاید آخری دفاع یک جسم از خود است؛ حتا اگر بی‌جان باشد. یک جسم که نه روح دارد و نه روان، تحت فشار، گاهی ماهیت عوض می‌کند و از بستر یک ماهیت فیزیکی به یک ماهیت شیمیایی تبدیل می‌شود. به هر روی، تحت فشار، هیچ چیزی جای خود و به شکل خود باقی نمی‌ماند.

قانونی از نیوتن می‌گوید: اگر به یک جسم، فشاری وارد نشود، آن جسم مایل است همواره در یک مسیر مشخص به حرکت خود ادامه دهد. اما اگر فشار وارد کنید چه می‌شود؟ آیا آن جسم همواره در یک مسیر مشخص حرکت می‌کند؟ این مثال‌ها از قوانین فیزیک برای یک جسم بی‌روح و بی‌جان است؛ اما اگر یک جسم روح و روان داشته باشد چه می‌شود؟ به طور طبیعی واکنش یک جسم با روح و جان و روان، در مقابل یک فشار، بسیار شدیدتر خواهد بود. آیا چنین نیست؟

۷۵ سال اشغال- ۱۷ سال محاصره

اسرائیل، بیش از ۷۵ سال است که با زد و بند سیاسی با انگلستان، کشور فلسطین را به نام خود زده است. بخشی را کامل اشغال کرده و بخش دیگر را مطالبه می‌کند. یک بخش را با پول خرید، یک بخش را با زور اسلحه گرفت و بخش دیگر را می‌خواهد با اعمال فشار و محاصره بگیرد. این فشار ۷۵ ساله و پیگ‌های ۱۷ ساله، تا کی قرار بود جسم‌ها که نه، بلکه هزاران انسان را زیر ضربه قرار دهد و هیچ واکنشی هم نداشته باشد؟

طی این همه سال، تحقیر و محاصره و خفت و خواری، جسم‌ها خرد شد و روح‌ها شکست. محاصره در شهر و بند در زندان، خوراک چند دهه فلسطینی‌هاست. کسانی که به هر دلیل، چه اشتباه خود چه زور دیگران، از وطن خود آواره و در میهن خود تحت محاصره و شکنجه قرار گرفتند. یک انسان آزاده باید خودش را جای یک فلسطینی قرار دهد و بی‌توجه به مذهب و مسلک دینی به این قضیه فکر کند و از خود بپرسد: اگر من به جای فلسطینی‌ها بودم چه می‌کردم؟

از بحرین تا افغانستان

بخش مهمی از کشورمان ایران فروخته شد یا به تاراج رفت. بهانه موزخ‌فری مانند قرارداد ترکمن‌چای و گلستان و بحرین و... همه بازی‌های سیاسی و زد و بند بر اساس زور و قدرت و سیاست. وقتی هویدا پای سند واگذاری بحرین را امضا کرد، بحرین از ایران جدا شد و شاه وقت این خسارت را تایید کرد. اما همه چیز تمام نشد و نشده است. هر ایرانی راستین، همچنان در ذهن خود مرور می‌کند که بحرین را به دلیل ضعف و زبونی شاه وقت از ما ربودند و روزی باید به مام مبین برگردد. افغانستان هم همین‌طور. کشوری امروز و استان دیروز ما. یک شاه بی‌عرضه، افغانستان را می‌دهد به بهای حمایت از شاهی ولیعهدش. به قول آن تبلیغ‌لوازم خانگی: این شد دلیل!

و دیگر شهرهای ما که هر کدام به حیثی از جنگ ما ربودند. این‌ها دزدیده شده‌اند و جنس دزدی، هیچ وقت مال دزد نمی‌شود. این را همه ما در پس ذهن خود داریم و البته بنا به مصالح یا موقعیت، کسی گاهی از آن یاد می‌کند و کسی آن را کتمان می‌کند؛ اما هیچ‌کس آن را انکار نمی‌کند.

فلسطین هم همین است. اما نه به این شدت. نه به این بهانه که هویدا نخست‌وزیر وقت ایران به دستور شاه وقت ایران امضایی زیر سند واگذاری و جداسازی بحرین زده است؛ زیرا فلسطینی‌های نگون‌بخت، همین امضا را هم ندارند که دل‌شان را به آن خوش کنند. زجرآور است اشغال کشوری برای یک جوان پر انرژی و با اراده. دردآور است که کسی ببیند خاک وطنش را دیگران چپاول کرده‌اند. فرقی ندارد فلسطینی باشد یا ایرانی یا هر ملت دیگر. و هیچ فرقی نمی‌کند مسلمان باشد یا مسیحی یا هر دین دیگر. اساسا این مساله مساله شخصی و درونی یک انسان است و در گام اول هیچ ربطی به دین و مذهب ندارد. دین و مذهب در گام دوم این احساس را یا تایید و تاکید می‌کند یا رد. یک جادین می‌گوید: اگر به یک سمت صورت شما سیلی زدند، طرف دیگر صورت را بیاور تا دوباره بزند. اما دین دیگری می‌گوید: حب الوطن من الایمان. این دو دین فرق اساسی دارند.

می‌گویند زمانی که نبی اکرم (ص) موفق به فتح مکه شد، اشک از چشمان مبارک‌شان جاری شد و به عشق وطن اصلی خود که همان مکه بود؛ گریه شوق کرد و فرمود: عشق به وطن از ایمان است.

از دور روزگار، فلسطینی‌ها تابع چنین پیامبری هستند که عشق به وطن را تایید و تاکید می‌کند. حال آیا یک فلسطینی می‌تواند با آرامش بخوابد و فشار تحمل کند و سیلی بخورد و به فکر طوفان طغیان و انتقام سخت نباشد؟ می‌شود؟

جواب باد، طوفان است

قاعده مشخص است: موشک در برابر موشک. این زمانی است که فشار نظامی بر کسی تحمیل شده باشد. اگر چوب بر سر تران کوبیدند، با چوب بر سرشان بکوبید. این حداقل یک منطق در مقابله و دفاع است؛ کما این که گاهی جواب یک موشک، می‌شود هفت هزار موشک.

اما همین قاعده در مباحث دیگر باید کاربست داشته باشد. اگر فشار تنگی بود، جواب تنگی است؛ اما اگر فشار فرهنگی باشد، چه؟ اگر منطق را بجزوریم، جواب فرهنگ، فرهنگ است. نمی‌شود با موشک و چوب و زور، یک فرهنگ را عوض کرد. موشک و چوب جای فرهنگ را نمی‌توانند بگیرند. چوب و زور فرهنگ نمی‌سازند زیرا از جنس فرهنگ نیستند. اگر چوب و زور رو کنیم تا فرهنگی ساخته شود یا از فرهنگی ممانعت شود، آب در هاون کوفته‌ایم و نتیجه‌اش عکس می‌شود. نتیجه‌ای مانند طغیان فلسطین.



ادامه مسیر تکمیل کریدور شمال به جنوب کشور

آزادراه اصفهان شیراز نقطه اتصال به کریدور شمال به جنوب